

نگاهی به آثار فتوگرافیک علی رضا قاضی  
گالری خاک، زمستان ۸۸

# نقاشی با دوربین

احمد رضا دالوند



## هنرها

اطلاعات مربوط به نمایشگاه، اختصاصاً به عکس‌های علی‌رضا قاضی اشاره می‌کند و مخاطب قبل از دیدار، گمان می‌کند که فرار است از یک نمایشگاه عکس دیدن کند. اما با ورود به سالن با طیف وسیعی از بیان ایلوستراتیو (تصویرگرانه)، روایات مصور در حد نوعی بیان ادبی، طراحی پوستر، روی جلد کتاب یا مجله و حتی تصاویر متناسب با کادر تلویزیونی مواجه می‌شود. در تأیید این موضوع می‌توان به طراحی پوستر و کارت نمایشگاه (اثر پدرام حربی) اشاره کرد. پوستر نمایشگاه بی‌تردید ذهن مخاطب را برای دیدار از یک نمایشگاه گرافیک ترغیب می‌کند به طوری که فکر می‌کند باید از یک مجموعه پوستر دیدن کنی. البته سال‌هاست که به چنین تناقضاتی عادت کرده‌ایم. نمایشگاه‌های بزرگ، حتی بی‌نیال‌های وسیع برگزار می‌شود تحت عنوان تایپوگرافی، اما دریغ از یک اثر تایپوگرافیک؛ آنچه عرضه می‌شود برداشت‌های آزاد، جسورانه و گاه سرشار از اعوجاج از گنجینه خوشنویسی و کتاب‌آرایی ایرانی - اسلامی است و آنچه به چشم نمی‌آید نشانه‌هایی از تایپ و تایپوگرافی است، و دریغ از سه یا چهار فونت فارسی که چندین دهه است بار نشر این مملکت را به طرز فرسایشی، کسالت‌بار و تکراری به دوش می‌کشند.

به هر جهت، این نمایشگاه با نوعی سکوت و توافق بسیار شیک توسط اغلب بازدیدکنندگان مورد ملاحظه قرار گرفت، می‌گویم ملاحظه، چرا که برخلاف امر بیچیده «دیدن»، که امری بسیار دشوار و حتی دشوارتر از «خواندن» است، تا هنگامی که در



حال «ملاحظه فرمودن» باشیم، تفاوت میان بیان ادبی، روایات تصویرگرانه، بیان گرافیکی، قالب پوستر و بیان عکسی را نخواهیم دانست. می‌خواهم بگویم نمایشگاه آثار قاضی، برخلاف آن‌چه بر روی کارت دعوت نمایشگاه آمده است، یک نمایشگاه عکس نیست. آثار علی‌رضا قاضی را باید یکی از دستاوردهای تکنیک فتوگرافیک به حساب آورد.

یکی از دستاوردهای این تکنیک، معرفی عکاسی در عرصه هنر گرافیک به طور اعم و در «تصویرگری» به‌طور خاص است. در تصویرگری با رویکرد عکاسانه، دوربین بسیار کاراثر و مناسب‌تر از قلم‌مو و مداد عمل می‌کند. در دنیای امروز، بسیاری هنرمندانی که در محدوده صرف «عکاسی» یا «گرافیک» نمی‌گنجند، اصلاً یکی از نشانه‌های هنر روز جهان، چند پایه بودن ابزار، مصالح و تکنیک‌های مورد استفاده هنرمند است. تمهیدات به کار رفته در آثار علی‌رضا قاضی، در موارد متعددی به وفور توسط طراحان گرافیک برای آماده‌سازی یک پوستر، روی جلد کتاب، پوستر، بروشور... به کار می‌رود.

این طراحان گرافیک، یا عکاسان (درست همانند علی‌رضا قاضی)، جنبه‌های بصری آثارشان را لزوماً از جنس عکس بر می‌گزینند و غالباً از تضادهای شدید سیاهی و سفیدی و یا تقابل میان تکرنگ و دورنگ (دوگامی چندرنگ) در آثارشان استفاده می‌کنند. علی‌رضا قاضی از سیاه و سفید به‌عنوان عنصری قدرتمند در ترکیب آثار خلاقه‌اش هوشمندانه استفاده کرده است. او نیز همچون بسیاری از هنرمندان نوگرا، که دل‌بسته بیان گرافیک و ارزش‌های بیانی عکس هستند از تکنیک‌هایی همچون «فتومونتاز»، «تروکاژهای عکاسی»، سطوح و بافت‌های متعدد «خاکستری و تکرنگ»، «لبه‌های

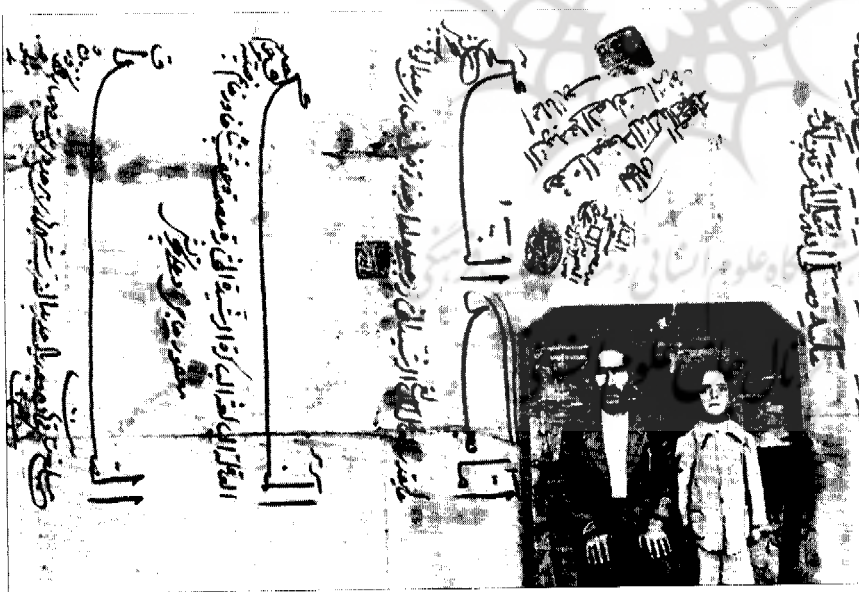
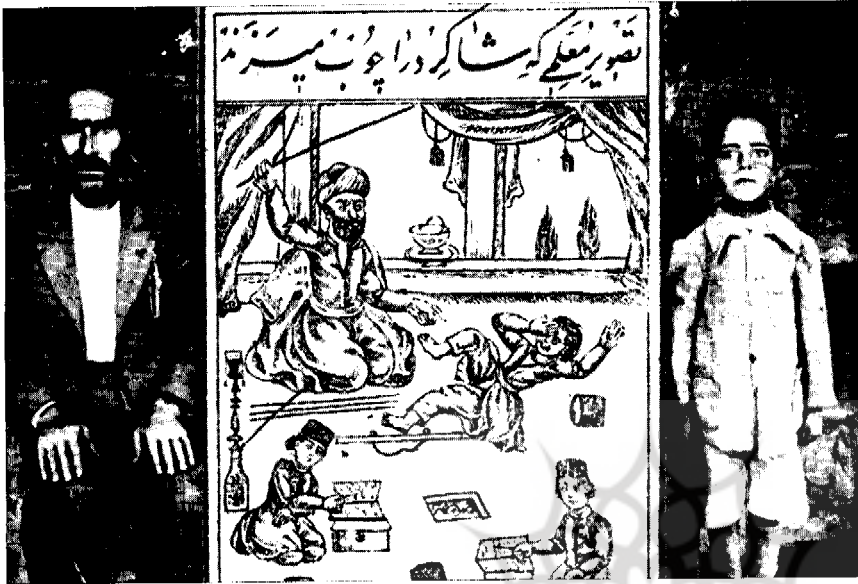
محوشونده»، ترام، کلاژ، عناصر متعدد تصویری مثل کلمات و برخی تصاویر که به بیان منظورش یاری برساند.

و در این مجموعه آثار: شکل آشنای تیغ (تیغ ناست)، گل، شعر، زخم، خون و... در ترکیبی به غایت گرافیکی و در برش‌های به‌شدت تأثیرگذار بر روی عناصر بصری‌اش به‌کار گرفته است. تلفیق عکس و عناصر غیرعکسی، به صورت تلویحی از نوعی دخالت‌های ترسناک، حزن‌انگیز و گاه نوستالوژیک تقدیر تلخ خبر می‌دهند که فریم به فریم ردّ پای دردناک این تلخی در فضا سازی‌های نوستالوژیک علی‌رضا قاضی چشمان بیننده را به خود خیره می‌سازد.

بسیاری از منتقدان اروپایی، آثار تصویرگران فتوگرافیک را با شعر مقایسه می‌کنند و به مثابه ادبیات نوین تصویری مورد ستایش قرار می‌دهند. هرچند که موج تصویرگری فتوگرافیک، به نظریه «برقراری ارتباط قوی‌تر میان هنر و صنعت» مربوط می‌شود، اما، هانس هیلمان مدیر مدرسه عالی هنر و معماری در کاسل آلمان، آنان را کسانی توصیف می‌کند که با دوربینی نقاشی می‌کنند.

تصویرگران فتوگرافیک، از جمله علی‌رضا قاضی، همواره با خطاهای دیداری - حسی نهفته در آثارشان، بیانی اشتباه‌ناپذیر و دقیق را به سوی مخاطب منتقل می‌کنند.

علی‌رضا قاضی نیز با این نظریه که «گرافیک» یک رسانه اجتماعی است، برای ساخت آثارش به عکاسی روی آورده است. در واقع، علی‌رضا قاضی، برای برقراری ارتباطاتی قانع‌کننده‌تر، واقعی‌تر و





ملموس‌تر از عکاسی بهره گرفته است. روش فتوگرافیک، با جلوه فراواقعی به‌عنوان یک تکنیک نو و متفاوت و همخوان با روحیه جهان امروز، کارایی بسیاری در ایجاد ارتباط دارد. این تکنیک از امتزاج عکاسی و گرافیک به دست می‌آید. برای توفیق در این تکنیک می‌باید فنون بسیاری در کار شوند، از خلاقیت طراحانه تا ادراک فنی و گرافیکی، از نور تا چاپ و لایراتوار و نرم‌افزار... کار با تکنیک فتوگرافیک، دست علی‌رضا قاضی را باز گذاشته است تا علاوه بر مهارت‌های فنی، از دیدگاه‌های هنری (به‌ویژه سوررئالیسم) استفاده کند. استفاده از عکس به جای نقاشی چهره یا اندام، قاضی را به سرعت به سمت نوعی سوررئالیسم زنده‌نما سوق داده است. این رویکرد، از سه ضلع مثلث بسیار قدرتمندی شامل: (مخاطب - رسانه - هنرمند) ریشه می‌گیرد، و روند کشف ایده از کالبد افکار اجتماعی، سیاسی و بازسازی تصویر اجتماعی را در ارتباطی باور کردنی (به دلیل کاربرد عکس، که بیشتر از نقاشی به واقعیت بیرونی وصل است) به سوی مخاطب ارسال می‌کند.

کشف و بازسازی بصری «باورهای جامعه» به بهترین و مؤثرترین وجه از طیف این تکنیک میسر است. علی‌رضا قاضی که از چنین قابلیت‌هایی استفاده می‌کند، می‌تواند با درآمیختن این تکنیک با چیدمان حروف و ترکیب‌بندی صفحه، تجربه‌ای بدیع و تأثیری قاطع برجا گذارد. □

